

سوگنامه باب ۳

مجازات، توبه و امید

- ۱ من آن کسی هستم که چوب مجازات خدا را خورده‌ام.
- ۲ او مرا به اعماق تاریکی برده
- ۳ و تمام روز دست خود را برضد من بلند کرده است.
- ۴ گوشت و پوست بدن مرا فرتوت ساخته و استخوانهایم را شکسته است.
- ۵ مرا با سختی و مشقت محاصره کرده
- ۶ و مانند کسی که سالها پیش مرده باشد، در تاریکی نشانده است.
- ۷ دیواری به دورم کشیده و مرا با زنجیرهای سنگین بسته است و نمی‌توانم فرار کنم.
- ۸ برای کمک التماس می‌کنم، اما او دعایم را نمی‌پذیرد.
- ۹ راه مرا از هر طرف با دیوارهای سنگی بسته و آن را پر پیچ و خم ساخته است.
- ۱۰ او مانند خرسی در کمین من نشسته و مثل شیری برای حمله به من آماده است.
- ۱۱ مرا از راهم به گوشه‌ای برده و پاره پاره‌ام نمود و ترک گفت.
- ۱۲ کمان خود را کشید و مرا هدف تیرهای خود قرار داد.
- ۱۳ تیرهایش به اعماق قلبم فرو رفت.
- ۱۴ مردم مرا مسخره می‌کنند و تمام روز به من می‌خندند.
- ۱۵ با سختی‌ها و مصیبت‌ها زندگی را برای من تلخ ساخته است.
- ۱۶ رویم را به خاک مالید و دندانهایم را با سنگها شکست.
- ۱۷ سعادت و سلامتی را از من گرفته است.
- ۱۸ گفتم: «شوکت و جلال من از بین رفت و امید من از خداوند قطع گردید.»
- ۱۹ وقتی آوارگی و مصیبت‌های خود را به یاد می‌آورم، زندگی به کام تلخ می‌شود.
- ۲۰ همیشه به آنها فکر می‌کنم و روحم پریشان می‌گردد.
- ۲۱ اما با این همه وقتی رنج‌هایم را به یاد می‌آورم، نومید نمی‌شوم،
[۲۲](#) زیرا محبت خداوند پایدار و رحمت او بی‌پایان است.
- ۲۲ آنها هر صبح تازه می‌باشند و وفاداری او عظیم است.
- ۲۴ خداوند همه چیز من است، پس بر او امید دارم.
- ۲۵ خداوند بر تمام کسانی که بر او توکل دارند و طالب او می‌باشند، مهربان است.
- ۲۶ پس بهتر است که با صبر منتظر باشیم تا خداوند ما را نجات دهد.
- ۲۷ چه نیکوست که در هنگام جوانی صبر و تحمل را بیاموزیم.
- ۲۸ وقتی گرفتار مصیبتی از جانب خداوند می‌شویم، باید خاموش و تنها بنشینیم؛

- ۲۹ و در حضور خداوند به خاک بیافتیم، شاید هنوز امیدی باقی باشد.
- ۳۰ وقتی کسی بخواهد ما را بزند، صورت خود را جلو بیاوریم و وقتی به ما اهانت می‌کنند، تحمل کنیم.
- ۳۱ زیرا خداوند ما را برای همیشه ترک نمی‌کند.
- ۳۲ هرچند خداوند غم و اندوه را بر سر ما بیاورد، ولی از روی محبت سرشار خود بر ما رحمت خواهد کرد.
- ۳۳ خداوند از غم و اندوه ما خشنود نمی‌گردد.
- ۳۴ وقتی اسیران و ستمدیدگان ما پایمال می‌شوند؛
- ۳۵ هنگامی که حقی را که خدا به ما داده است، پایمال می‌گردد؛
- ۳۶ و زمانی که در حق شخصی در دادگاه بی‌عدالتی می‌شود، خدا همه را می‌بیند.
- ۳۷ هیچ امری بدون اراده و رضای خداوند انجام نمی‌شود.
- ۳۸ خیر و شر، تنها به فرمان خداوند متعال واقع می‌شود.
- ۳۹ پس چرا وقتی به خاطر گناهان خود مجازات می‌شویم، شکایت کنیم؟
- ۴۰ بیایید رفتار خود را بسنجیم و به سوی خداوند بازگردیم.
- ۴۱ بیایید با تمام قلب، دست دعا به سوی خدایی که در آسمانهاست بلند کنیم،
- ۴۲ و بگوییم: «خداوندا، ما گناهکاریم و از فرمان تو سرکشی کرده‌ایم و تو ما را نبخشیده‌ای.
- ۴۳» بر ما غضب کردی و ما را کشتی، رحمت تو به وسیله خشم پنهان گشت.
- ۴۴ چون بر ما خشمگین بودی، خود را از ما پنهان کردی تا دعاهاى ما به حضور تو نرسد.
- ۴۵ تو ما را نزد مردم جهان همچون خاکروبه و زباله ساختی.
- ۴۶» تمام دشمنان ما، ما را تحقیر می‌کنند.
- ۴۷ با هلاکت و نابودی روبه‌رو شده‌ایم و ترس و وحشت ما را فراگرفته است.
- ۴۸ به خاطر نابودی قوم، سیل اشک از چشمانم جاریست.
- ۴۹» پیوسته اشک می‌ریزم
- ۵۰ تا خداوند از آسمان به پایین بنگرد و ما را ببیند.
- ۵۱ وقتی می‌بینم چه بلایی بر سر دختران شهر من آمده است، دلم از غصه ریش‌ریش می‌شود.
- ۵۲» دشمنان بدون هیچ دلیلی مرا مثل پرنده به دام انداختند.
- ۵۳ مرا زنده در چاه انداختند و سنگی بر سر آن گذاشتند.
- ۵۴ آب از سرم گذشت و فکر کردم که بزودی خواهم مرد.
- ۵۵» خداوندا، از ته چاه تو را طلبیدم.
- ۵۶ فریاد مرا شنیدی و به ناله‌های من گوش دادی.
- ۵۷ وقتی به حضور تو دعا کردم، آمدی و گفتی: 'نترس!'
- ۵۸» خداوندا، تو از حق من دفاع کردی و از مرگ نجاتم دادی.
- ۵۹ تو ای خداوند، شاهد ظلم‌هایی که در حق من کردند، بودی؛ پس به داد من برس و خودت داوری کن.

۶۰. تو می‌دانی که دشمنانم همه از من نفرت دارند و برضد من دسیسه می‌چینند.
۶۱. «خداوندا، تو شنیده‌ای که آنها چگونه به من اهانت کرده و برضد من توطئه چیده‌اند.
۶۲. دشمنانم تمام روز درباره‌ی من سخنان بد می‌گویند و برای آزار من نقشه می‌کشند.
۶۳. در همه حال به من می‌خندند و مسخره‌ام می‌کنند.
۶۴. «خداوندا، آنها را به سزای کارهایشان برسان.
۶۵. آنها را لعنت کن تا گرفتار غم و درد شوند.
۶۶. با خشم و غضب آنها را تعقیب کن و از روی زمین نابود ساز.»